



حقانیت اهل بیت (ع) در شعر شافعی

پدیدآورده (ها) : مختاری، علی

فقه و اصول :: مبلغان :: آذر 1382 - شماره 47

از 110 تا 116

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/180627>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 15/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

حقانیت اهل بیت در شعر شافعی

علی مختاری

مقدمه

«ابو عبدالله محمد بن ادريس بن العباس» معروف به «الإمام الشافعی» (۱۵۰ - ۲۰۴ق) پیشوای مذهب شافعی - یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت - است. مذاهب چهارگانه به ترتیب تاریخی: مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی اند. او از طرف پدر و مادر قرشی است. وی نوه خواهر حضرت فاطمه بنت اسد، مادر امام امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۱ از دو سالگی پدر را از دست داد و مادرش او را به مکه مکرمه برد. وی در جوانی حافظ قرآن شد و به دانشهای گوناگون دست

یافت؛ وی در میان قبایل هذیل، ربیعہ، مضر به سربرد و مسافرتها زیادی به یمن، حجاز، ایران، شام، مصر داشت. او فقه را از شاگردان ابن عباس، که خود شاگرد امیرالمؤمنین علیه السلام بود و برخی دیگر از شاگردان اهل بیت علیهم السلام فرا گرفت و نزد مالک و... شاگردی کرد و در عراق و مصر به تدریس و فتوا پرداخت. از وی به جز آثار فقهی، دیوان شعری به جامانده است که ۹ بار به نام دیوان الشافعی و ۷ بار به نام دیوان الامام الشافعی و نیز به نامهای

۱. دیوان الامام الشافعی، ص ۲۵؛ مائة أوائل من الرجال، ص ۴۸۸.

دیگر منتشر شده است.^۱

در بین اشعار او مواردی که نشانگر شدت علاقه او به اهل بیت است دیده می شود که اکنون نمونه هایی ذکر می شود.

آل بیت الرسول صلی الله علیه و آله

یا آل بنیت رسول الله حبکم

فرض من الله فی القرآن أنزلہ

یکفیکم من عظیم الفخر آنکم

من لم یصل علیکم لا صلاة له

«ای خاندان رسول خدا، محبت و دوستی شما از طرف خداوند واجب شده و این فریضه ای است که در قرآن نازل فرموده است.»^۲

همین افتخار بزرگ برای شما بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد نمازش، باطل است.»^۳

آل رسول الله صلی الله علیه و آله

آل النبی ذریعتی

وهمو النبی و سبطی^۵

۱. مأخذ ما در نقل اشعار و بسیاری از توضیحات، دیوان الامام الشافعی به تصحیح محمد عبدالرحیم و زیر نظر مکتب البحوث و الدراسات، چاپ دارالفکر بیروت، ۱۴۱۵ قی است.

۲. بیش از صد کتاب درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام در قرآن کریم نوشته شده است، و این

بیت اشاره دارد به آیه مودت و آیه تطهیر و ...
۳. شاید اشاره است به تشهد نماز که واجب است بخوانیم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و درباره صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او، اهل سنت کتابهایی به نظم و نثر نوشته اند. و درباره چگونگی صلوات بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تقریباً به همان شکلی که پس از تکبیر دوم نماز میت می خوانیم توصیه شده است. ر.ک: کنز العمال، از فاضل هندی، شماره های: ۳۹۹۱-۴۰۱۴؛ سنن نسایی، کتاب السهو، باب ۴۹؛ سنن ابو داود، ص ۹۷۸ و ...

۴. دیوان، ص ۱۶۲، ش ۳۴.

۵. «ذریعه» یعنی وسیله و سبب برای رسیدن به چیزی؛ دست آویزی که انسان بتواند به کمک او خود را از مهلکه ننگه دارد. وسیله الی الله، چیزی است که می توان به سبب آن به درگاه خدا توسل جست و به رضا و قرب الهی نایل گشت. قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا لیه الوسیلة وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و به سوی او وسیله [و تقرب] جوئید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید.» (مائده/۳۶).

از مصادیق وسیله، اهل بیت علیهم السلام هستند. و از مصادیق مقام و درجه پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت است. آن حضرت دعا فرمود: «اللهم رب هذیه الدعوة الثائمة والصلوة الفایعة، أت محمداً الوسیلة والفضیلة وابعث مقاماً محموداً الذی وعدته حلت له شفاعتی یوم القيامة»؛ (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۹، و ج ۶، ص ۱۰۸، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۵۴؛ کنز العمال، ش (۲۰۹۸۳) و (۲۱۰۱۶) و (۲۱۰۱۹) و ...

در آغاز دعای ندبه می خوانیم: «... وجعلتهم الذریعة لئیک والوسیلة الی رضوانک؛ و پیامبر و آلش علیهم السلام را وسیله ای به سوی خودت و رضوانت قرار دادی.»

هم می‌ریزند [به آواز بلند به همگان

۱. امید داشتن به شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام روشن است؛ چنان که در آخر زیارت جامعه کبیره به درگاه الهی عرض می‌کنیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْإِبْرَارِ كَجَعَلْتَهُمْ شَفْعَائِي؛ ای خدای من، اگر به درگاه تو شفیعیانی مقرر بتر از محمد و -خاندانش- که ابرار و بهترینهایند -پیدا می‌کردم، حتماً آنها را شفیعان خودم قرار می‌دادم».

۲. روز قیامت نامه اعمال مؤمنان به دست راست و نامهٔ تبهکاران از پشت سر یا به دست چپ داده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَتَانَا مِّنْ أَوْتَى كِتَابُهُ يَمِينُهُ فَمَسُوفٌ مُحَاسِبٌ حَسَاباً يَسِيرًا وَيُنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مُشْرُوراً وَأَنَا مِّنْ أَوْتَى كِتَابُهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَمَسُوفٌ يَذْهَبُوا مُتَسَوِّراً وَيُضَلُّ سَعيراً...؛ اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، او بزودی و بس آسان محاسبه شود و شادمان به سوی کسانش باز گردد و اما کسی که کارنامه‌اش از پشت سر به او داده شود، زود است که هلاک خویش خواهد و در آتش افروخته در آید.» (انشقاق/۱۲).

۳. قصیده شماره ۱۰۹، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۴. «مُحْصَبٌ»: شنزار؛ محل رمی جمره، اگر به فتح صاد خوانده شود، شارح دیوان گوید: محلی است بین مکه و منی که به منی نزدیک‌تر است و دامنهٔ بنی کنانه همان جاست و حدودش از حجون مکه به سوی منی شروع می‌شود.

۵. «خِيفٌ»: دامنهٔ کوه که حد فاصل ارتفاع کوه و گودیهای دره‌ها و سیلاب است. مسجد خیف که در منی قرار دارد. خیف به معنای اخیف مردم یعنی دستجات مردم و طوایف گوناگون هم ذکر شده است.

۶. «الحجيج»: جمع حاج.

۷. «مُلْتَظَمٌ»: محل تلاطم موج آبها.

أَرْجُوهُمْ^۱ أُعْطِيَ عَدَاً

يَدِي اليمينِ صَحِيفَتِي^۲

«آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستگیره و چنگ

آویز منند و همانان و سیله‌ام به سوی خدایند. امیدوارم که به [عنایت و حرمت آنان] فردای قیامت نامهٔ اعمالم به دست راستم داده شود.»

مُحْصَبٌ وَمِنَى^۳

ربیع بن سلیمان مصری (۱۷۴ - ۲۷۰

ق.) که یار و یاور و راوی کتابهای شافعی است گوید: «با شافعی در سفر حج بودیم. او بر هیچ تپه‌ای بالا و به هیچ وادی سرانیر نشد، جز اینکه می‌گریست و این اشعار را زمزمه می‌کرد:

يَا رَاكِباً قَفَّ بِالْمُحْصَبِ^۴ مِّنْ مِّنَى

وَاهْتَفِ بِقَاعِدِ خَيْفِهَا^۵ وَالتَّاهِيضِ

«ای سواره در شنزار منی (که معروف

به خیف بنی کنانه است) بایست و همهٔ حاجیان را، چه آنکه در [مسجد] خیف منی نشسته یا به نماز ایستاده، ندا بده.»

سَحَرًا إِذَا فَاضَ الْحَجِيجُ^۶ إِلَى مِّنَى

فَيْضًا كَمُلْتَظِمِ^۷ الْغُرَاتِ الْفَائِضِ

«به سحرگاه هنگامی که سیل مواج

حاجیان از مشعر سرازیر منی می‌گردد و بسان فرات مواج و پرتلاطمی بر سر

بگو:

إِنْ كَانَ رَفُضًا^۱ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ

فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي

«اگر دوستی آل محمد (علیهم السلام) سبب

رافضی بودن است، چه باک، جن و

انس شاهد باشند که بجد رافضی

هستم!!!»

وَأَخْبِرْهُمْ أَنِّي مِنَ النَّفَرِ الَّذِي

لَوْلَا أَهْلُ الْبَيْتِ لَيْسَ بِنَاقِضٍ

«و جمعیت حجاج را خبر کن که

قطعا من از آن گروهی هستم که نسبت

به ولایت و نصرت اهل بیت (علیهم السلام) [ثابت

قدم و هیچ گاه] عهد شکن نخواهم

بود.»

حُبُّ اهل البيت^۳

هنگامی که شافعی با صراحت،

محبت اهل بیت (علیهم السلام) را بر زبان آورد و

اصرار داشت که او از شیعیان و پیروان

آنان است، درباره او بگو مگوها و

شایعات زیادی بر سر زبانها افتاد؛

نهایتاً در پاسخ بدگوییها، چنین گفت:

إِذَا نَحْنُ فَضَّلْنَا عَلَيَّا قَاتِلَنَا

رَوَافِضُ بِالْتَفْضِيلِ عِنْدَ ذَوِي الْجَهْلِ

«هنگامی که ما علی (علیه السلام) را بر

دیگران برتری دادیم، نزد افراد نادان،

ما رافضی قلمداد می شویم.»

سُفْنُ النِّجَاةِ^۴

وَلَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِمْ

مَذَاهِبُهُمْ فِي أُبْحُرِ الْعَيِّ وَالْجَهْلِ

«وقتی مردم را دیدم که

مذهبهایشان آنان را در دریاهای جهل

و گمراهی فرو می ریزد،»

رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سُفْنِ النِّجَاةِ

وَهُمْ آلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرُّسُلِ^۵

۱. «رفض» یعنی ترک و چون شیعه نه با تزویر
حاکمان جور فریب خورد و نه تسلیم زور
طاغوتها شد و نه تن به تطمیع داد و در هر حال،
سران ستم اموی و عباسی را ترک کرد، «رافضه»
نامیده شد؛ البته دشمنان شیعه برای این تسمیه
و جوهی ناروا مطرح کرده اند. به هر حال نزد اهل
سنت، این تعبیر همراه با تحقیر برای شیعه به کار
می رود.

۲. «نفر» یعنی یک شخص، یک فرد، و نفر به
قبیله، قوم و گروهی که همراه کسی هستند گفته
می شود.

۳. ش. ۱۵۹، ص ۳۲۵.

۴. ش. ۱۶۷، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۵. شارح گوید: نجات، رهایی و رستگاری
است. و این برگرفته از حدیث معروف است:
«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ
عَنْهَا هَلَكَ (عُرِّقَ)؛ مثل خاندانم بسان کشتی
حضرت نوح است که هر که بر آن کشتی سوار
شد نجات یافت و هر که واماند، هلاک و یا غرق
شد.» و «رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ» از این آیه شریفه ←

تَفَرَّقُوا؛ «همگی به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید.»

۲. «افتراق امت»

روایات فراوانی از شیعه و سنی به ما رسیده که پیامبر ﷺ فرمود: امتم ۷۳ فرقه می شوند و همگی جز یک فرقه در آتشند. در باب اول از مجلد ۲۸ کتاب شریف بحار الانوار، روایات فراوانی در این زمینه ذکر شده است؛ مانند: قال رسول الله ﷺ: «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي مَا أَتَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ مِثْلَ بَيْتِلَ وَإِنَّهُمْ تَفَرَّقُوا عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، وَسَتَقَرُّ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، تَزِيدُ عَلَيْهِمْ وَاحِدَةً كُلَّهَا فِي النَّارِ غَيْرَ وَاحِدَةٍ، قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا تِلْكَ الْوَاحِدَةُ؟ قَالَ: هُوَ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ الْيَوْمَ أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي؛

بزودی همان سرنوشتی که برای امت بنی اسرائیل پیش آمد برای امت من نیز پیش خواهد آمد و آنان ۷۲ فرقه شدند و بزودی امتم ۷۳ گروه خواهند شد؛ یکی بیش از آنها، تمامی این فرقه ها در آتشند [و منحرف] جز یک فرقه. از پیامبر ﷺ پرسیدند: آن یک فرقه ناجیه کدام است؟ فرمود: فرقه ناجیه همان است که امروز ما برآئیم؛ من و اهل بیتم. (بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳، ح ۲۰۴).

اهل سنت، ذیل حدیث را به صورتهای ذیل تحریف می کنند: «مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي» با اینکه همین اصحاب در مراسم تجهیز خود پیامبر ﷺ و حضرت زهراء ﷺ و قیام علیه عثمان و جنگ صفین، جمل تا کربلا، هزاران بار اختلاف کردند. گاهی می نویسند: «أَهْلُ الشَّعَةِ». با اینکه خودشان می گویند اصطلاح شیعه و سنی بعدها پدید آمد و به ویژه تلاش می کنند پیدایش شیعه را هرچه بیشتر تأخیر ببیاندازند. (مجمع الزوائد هاشمی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ کنز العمال، ش ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۰). ۳. الرِّجَاحَةُ: اكتمال العقل والحلم.

«با نام خدا به کشتیهای نجات

پیوستم و آنان اهل بیت حضرت

محمد مصطفی خاتم پیامبرانند ﷺ».

وَأَمْسَكَتُ حَبْلَ اللَّهِ وَهُوَ وَلَاؤُهُمْ

كما قَدْ أَمَرْنَا بِالْتَّمَسْكِ بِالْحَبْلِ

«وچنگ زدم به «حبل الله» و آن

ولایت آنان است؛ همان گونه که به ما

دستور داده اند که به حبل الله تمسک

جویم.»^۱

إِذَا افْتَرَقَتْ فِي الدِّينِ سَبْعُونَ فِرْقَةً

وَنِفَاكُمَا قَدْ صَحَّ فِي مُحْكَمِ النَّفْلِ

«هنگامی که امت واحده اسلامی

به بیش از هفتاد فرقه تبدیل شدند،

چنان که در روایت معتبر و محکم وارد

شده است.»

وَلَسَمَ يَكُ نَاجٍ مِنْهُمْ غَيْرَ فِرْقَةٍ

قُلْ لِي بِهَا يَا ذَا الرَّجَاحَةِ ۳ وَالْعَقْلُ

«و جز یک فرقه از آنها اهل نجات

نخواهد بود، ای صاحب کمال عقل و

➔ برگرفته شده که از زبان حضرت نوح علیهِ السلام

می فرماید: «ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا».

۱. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۰۳

می فرماید: «واعتصموا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا

حلم به من بگو.»

یارانشان سهمی داشته باشم.]»

أَفِي فِرْقِ الْهَلَكَ أَلْ مُحَمَّدٍ^۱

فَحَلَّ عَلَيَّ إِمَامًا وَنَسْلِهِ

أَمْ الْفِرْقَةُ الَّتِي نَجَتْ مِنْهُمْ قُلَّ لِي

وَأَنْتَ مِنَ الْبَاقِينَ فِي سَائِرِ الْحَلِّ

«آیا آل محمد در میان فرقه‌های

»پس علی و نسلش را به عنوان

هلاک و نابود شونده‌اند؟ یا آنان فرقه

امامان من رها کن [و به من واگذار] و

ناجیه و رستگارند؟ جواب مرا بده.»

تو نسبت به دیگران، آزادی.»

فَإِنْ قُلْتَ فِي النَّاجِينَ فَالْقَوْلُ وَاحِدٌ

وَإِنْ قُلْتَ فِي الْهَلَكَ خَفَّتْ عَنِ الْعَدْلِ

»پس اگر بگویی آل محمد در

۱. «أَفِي فِرْقِ الْهَلَكَ أَلْ مُحَمَّدٍ» اشاره است به

میان نجات یافتگانند که عقیده من و

۷۲ فرقه هلاک شوند. نظیر همین استدلال را

شما یکی است [و مدعایم ثابت

مبلغ توانا حضرت حجة الاسلام قرائنی در

خواهد شد] و اگر بگویی آنان جزو

دانشگاه چین بین دانشجویان سنی، از قرآن کریم

نابود شوندگانند، بی انصافی کرده‌ای

مطرح کرد؛ یعنی فهرست آیه‌هایی که می‌گوید:

و از حق و عدل، کناره گرفته‌ای.»

اطاعت کنید را در یک ستون نوشت؛ مثل

واژه‌های: أَطِيعُوا، أَتَّبِعُوا، أَطِيعُوا... در مقابل ستونی

دیگر از مواردی که خداوند می‌فرماید: پیروی

مکنید مثل: لَا تَطِيعُوا، لَا تَتَّبِعُوا، لَا تَطِيعُوا.

و نتیجه گرفت: آیا اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) و صحابی

بزرگوار که در محور آنان بودند مثل سلمان،

ابوذر، مقداد، عمار یاسر، ابن عباس، ابن مسعود،

أَبِي بَنِ كَعْبٍ، جزو کدام گروهند و ما اکنون، جزو

کدام گروه می‌توانیم باشیم.

رَضِيتْ بِهِمْ مَا زَالَ فِي ظِلِّهِمْ طَلَبِي

«هنگامی که امام و مولای

مسلمانان از اهل بیت (علیهم السلام) باشد - که

چنین است - پس به ضرس قاطع

می‌گویم که من به همخطی و همگامی

با آنان خشنودم مادامی که منم بارش

من در میان بارانشان باشد [و در بین

اولی [بتر] نیستم؟» یعنی ولایت حکومتی

ندارم؟ گفتند: بلی. فرمود: «مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى

مَوْلَاهُ؛ هر که من مولای اویم، علی (علیه السلام) هم مولای

او است.» شافعی گوید: وقتی مولای مسلمانان از

اهل بیت است، من هم از آنهایم.

آل بيت الرسول ﷺ

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ
فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
يَكْفِيكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ أَنْتُمْ
مَنْ لَمْ يَصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ
آلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

آلَ النَّبِيِّ ذُرِّيَّتِي
أَرْجُو بِهِمْ أُعْطِيَ عَدَا
وَهُمُ الْإِنْسَانِيَّةِ وَسِبْطِي
بِيَدِي الْيَمِينِ صَحِيفَتِي

مُخَصَّبٌ وَمِنَى

يَا رَاكِبًا قِفْ بِالْمُخَصَّبِ مِنْ مِنَى
وَاهْتِفْ بِقَاعِدِ خَيْفِهَا وَالنَّاهِضِ
سَحَرًا إِذَا فَاضَ الْحَجَّيجُ إِلَى مِنَى
فِيضًا كَمَا تُنْطِغِمُ الثُّرَاتِ الْفَائِضِ
إِنْ كَانَ رَفَضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ
فَلْيُشْهَدِ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي
وَأَخْبِرْهُمْ أَنِّي مِنَ الثَّفَرِ الَّذِي
لِأَهْلِ الْبَيْتِ لَيْسَ بِنَاقِضِ

حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ

إِذَا نَحْنُ فَضَّلْنَا عَلَيَّا فَائِئْنَا
رَوَافِضُ بِالْتَفْضِيلِ عِنْدَ ذَوِي الْجَهْلِ

سُفْنُ النِّجَاةِ

وَلَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِمْ
رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سُفْنِ النِّجَاةِ
وَأَمْسَكْتُ حَنْبِلَ اللَّهِ وَهُوَ وَلَاؤُهُمْ
إِذَا افْتَرَقَتْ فِي الدِّينِ سَبْعُونَ فِرْقَةً
وَلَمْ يَكُنْ نَاجٍ مِنْهُمْ غَيْرُ فِرْقَةٍ
أَفِي فِرْقِ الْهَلَاكِ آلُ مُحَمَّدٍ
إِذَا كَانَ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ فَائِئِنِّي
فَخَلَّ عَلَيًّا لِي إِمَامًا وَنَسْلِيهِ
مَذَاهِبُهُمْ فِي أَبْحَرِ الْعَيِّ وَالْجَهْلِ
وَهُمْ آلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرُّسُلِ
كَمَا قَدْ أَمَرْنَا بِالتَّمَسُّكِ بِالْحَبْلِ
وَبِقِفَا كَمَا قَدْ صَحَّ فِي مُحْكَمِ النَّقْلِ
فَقُلْ لِي بِهَا يَا ذَا الرَّجَا حَافِظَ الْعَقْلِ
أَمْ الْفِرْقَةُ الَّتِي نَجَتْ مِنْهُمْ قُلْ لِي
رَضِيَتْ بِهِمْ مَا زَالَ فِي طَلَبِهِمْ طَلِي
وَأَنْتَ مِنَ الْبَاقِينَ فِي سَائِرِ الْجُلِّ